شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۵۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

parinazizadyar

وطنم تسلیت 🖤

کرمان

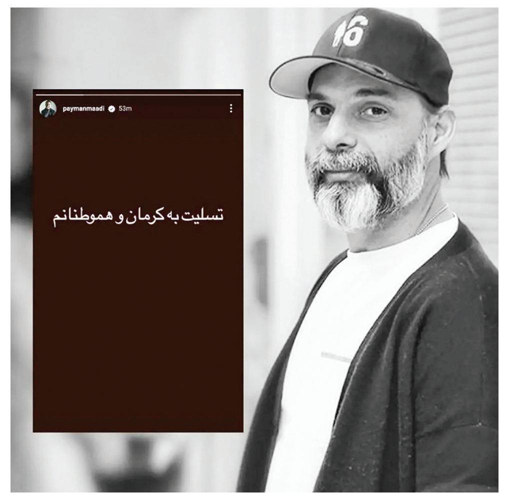

تسلیت به کرمان و هموطنانم

tannaz.tabatabaei.official

تسلیت کرمان🖤

تعداد مجروحان حادثه تروریستی کرمان به ۲۱۱ نفر رسیده است/ سخنگوی سازمان انتقال خون: گروه‌های خونی O منفی به مراکز انتقال خون مراجعه کنند

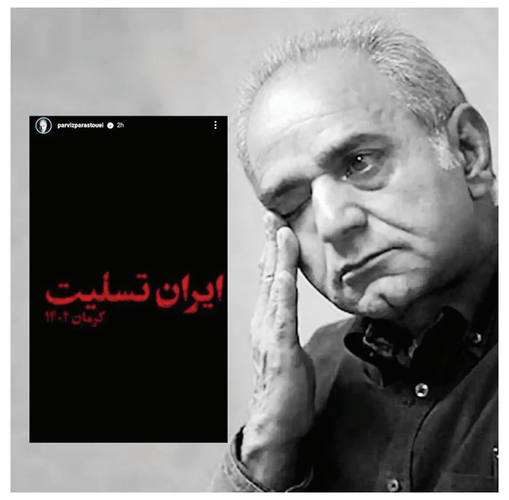

ایران تسلیت
کرمان ۱۴۰۲

اکثریت علیه اقلیت داعشی

عملیات خون‌بار در کرمان که موجی از غم و احساسات میهن‌پرستانه در طیف‌های مختلف ایران ایجاد کرد، همزمان باعث افشای چهره واقعی یک اقلیت ترسناک از اپوزیسیون برای ملت شد

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

کسانی که به جهنم می‌روند، دو نوع جرم مرتکب شده‌اند؛ یک قسم از اعمال مجرمانه اصطلاحا اعمال جارحه است و یک قسم اعمال جانحه. کسانی که اعمال جارحه انجام داده‌اند تا ابد در جهنم نمی‌مانند اما درمورد آنهایی که تا ابد در جهنم می‌مانند، استاد فرزانه حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند: «مخلَّدینِ در نار کسانی‌اند که به حدی برسند که (جَحَدُوا بِها وَاسْتَيْقَنَتْها أَنْفُسُهُمْ) یعنی این کافر لجوج که حق برای او روشن شد مع‌ذلک نپذیرفت، معجزات انبیا را دیدند و نپذیرفتند، براهین عقلی برایشان تثبیت شد ولی نپذیرفتند، بعد از روشن‌شدن حق حقیقت را نپذیرفتند (اهل لجاج و عناد بودند)، به تعبیر قرآن (وَتُنذِرَ بِهِ قَوْماً لُدّاً)، اینها جزء انسان (أَلَدُّ الْخِصَامِ) و امثال ذلک بودند که بعد از تمام‌شدن حجت بالغه حق مع‌ذلک انکار کردند، اینها هستند که اهل خلودند و مخلَّد در نار.»

* * *

شاید تلخ‌ترین خاطره‌ای که از اتفاقات سال ۱۴۰۱ برای ما باقی مانده، دوقطبی شدن شدیدی است که جامعه به خود دید. خون‌های زیادی ریخته شد و افراد متعددی رنج کشیدند. چه آنها که از گروه و دسته سیاسی ما بودند و چه دیگران، هرکس که جانش را از دست داد یا رنجی متحمل شد در یکی از دو قطب اصلی قرار گرفت و از دست رفتن جانش یا رنجی که دید، توسط عده‌ای از افراد گروه مقابل با پوزخند و شادمانی همراه بود. این هولناک‌ترین صحنه‌ای است که یک جامعه بشری می‌تواند به خودش ببیند. همزمان با این رویدادها حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی قطر رقم خورد و عده‌ای صدا بلند کردند و بازیکنان تیم را شماتت می‌کردند که چرا سرود ملی را خوانده‌اید؟ بعد درجه وقاحت لجوجانه‌ای که فضا را آکنده بود تا شادی خیابانی بابت باخت ایران از تیم‌های آمریکا و انگلیس بالاتر رفت. احتیاج به موشکافی جامعه‌شناختی عجیبی وجود نداشت برای اینکه علت این وضع را به لجاجت بخشی از جامعه ربط بدهیم. تفکیک خودخوانده‌ای که آنها بین جمهوری اسلامی و کشور ایران قائل شده بودند این اجازه را به آنان می‌داد که حتی علیه منافع عمومی ایران، به بهانه مخالفت با جمهوری اسلامی رفتار کنند. جایی که می‌توانستند یک جنایت واضح را انکار کنند و اساسا وقوع آن را زیرسوال ببرند، چنین می‌کردند. اما اگر خبر وقوع آن جنایت قابل انکار نبود، مثل حادثه تروریستی حرم شاهچراغ، می‌گفتند کار خودشان است، یعنی کار حکومت بوده و نهایتا جایی که حتی این توجیه هم ممکن نبود، مثل قتل وحشیانه شهید آرمان علی‌وردی، هنوز عده‌ای باقی مانده بودند که از رو نمی‌رفتند و به چیزی اعتراف نمی‌کردند و می‌گفتند حق‌شان بود که با آنها چنین شود. اینکه چه رویدادهایی در طول زمان کار را به اینجا کشاند تحلیل مستوفایی می‌طلبد و از زاویه‌های مختلف، به آن بسیار پرداخته‌اند اما آن وضعیت به هر دلیل که پیش آمد، می‌شد درباره‌اش تحلیل و راه‌حل‌یابی عاجلی با توجه به مفهوم «مارپیچ سکوت» داشت. آن لجبازی عمومی که صحبتش شد، فقط در گفتار و رفتار لجوج‌ترین جماعت یا به اصطلاح تریبون‌های حامی جنایت نمود پیدا نمی‌کرد. آنچه اهمیت اصلی‌تر داشت و به چنین دیوانه‌هایی جرات و اعتمادبه‌نفس می‌داد تا اینچنین بی‌پروا رفتار کنند، رفتار جماعت بزرگ‌تری بود که به آنها می‌گوییم ساکتان لجوج. افراد زیادی که نه‌تنها به زبان، بلکه در دل هم به هیچ‌وجه نمی‌توانستند آنچه در شاهچراغ رخ داد، آنچه در جاده کرج دیده شد یا چیزی را که بر سر کسانی از قبیل شهید عجمیان و شهید علی‌وردی آمد، بپذیرند اما به قدری سر لج افتاده بودند که حاضر نمی‌شدند سکوت را بشکنند و چنین مواردی را محکوم کنند. چیزی که به دیوانه‌های لجوج جرات و اعتمادبه‌نفس می‌داد تا لجن‌پراکنی کنند همین سکوت بود که آن هم از سر لجاجت ادامه می‌یافت. وقتی توهمات ابتدایی راجع به سرنگونی نظام به صخره واقعیت خورد، طبیعتا آن دیوانه‌های لجوج و پرسروصدا حرارت درونی بیشتری پیدا کردند و بی‌تعارف‌تر از قبل شدند اما به مرور مارپیچ سکوت در بین باقی جماعت شکست. سر مسائلی که بعد از طوفان الاقصی در غزه به وجود آمد، از هاروارد تا هالیوود حتی خیلی از شهروندان سفیدپوست غربی واکنش‌های شدیدی نشان دادند. رئیس دانشگاه هاروارد برکنار شد و ستاره فیلم «جیغ» را از پروژه کنار گذاشتند اما آنها سر مواضع‌شان در مورد غزه باقی ماندند. بااین‌حال از هنرمندان و ورزشکاران ایرانی که نمادها، الگوها و تریبون بخشی از طبقه متوسط شهری هستند صدای چندانی درنیامد. این آخرین جایی بود که می‌شد آن سکوت لجوجانه را ادامه داد و انبان شرم بخش بزرگی از جماعت کم‌کم داشت پر می‌شد. بخشی از این عدم موضع‌گیری هم البته بابت وجود ترس از هوچی‌گری دیوانه‌های مجازی پدید آمده بود. ماجرای حمله تروریستی به زائران مزار شهید سلیمانی در کرمان دیگر جای چون‌وچرایی باقی نمی‌گذاشت. اینجا همان جایی بود که مرزها را کاملا روشن و مشخص می‌کرد و اساسا فرصتی فراهم می‌آورد برای آنها که خودشان هم دیگر از این سکوت لجوجانه خسته شده بودند. شاید آنها زاویه انتقادی‌شان را با حاکمیت همچنان حفظ کرده بودند اما دیگر تاب نداشتند که هر جنایتی را از لج جمهوری اسلامی جنایت نبینند. از اینجا به بعد بین صفوف عموم معترضان و منتقدان حاکمیت با دیوانه‌های لجبازی که تحت هیچ شرایطی ذره‌ای کوتاه نخواهند آمد و به کوچک‌ترین حقیقتی اعتراف نمی‌کنند، شکاف ایجاد شد. موج محکومیت آنچه در کرمان رخ داده فضای فارسی‌زبان را دربرگرفت و البته آن دیوانه‌های عجیب‌وغریب هم که تاب این وضع را نداشتند، این بار عصبانی‌تر از هر بار و وقیح‌تر از هر دفعه موضع گرفتند. حالا مانده‌ایم و خالدین ابدی جهنم. کسانی که به هیچ صراطی مستقیم نیستند و هرقدر بینه و دلایل واضح‌تر شود به‌جای کوتاه آمدن وقیح‌تر می‌شوند و اتفاقا از اینجا به بعد است که با جدا شدن صف این عده از باقی منتقدان و معترضان حاکمیت، یک‌سری انتقادها و اعتراض‌ها می‌تواند محمل توجیه‌پذیرتری برای طرح پیدا کند. وقتی امثال علی کریمی و اشکان خطیبی با این لحن گزنده و چندش‌آور درباره قربانیان یک حمله تروریستی حرف می‌زنند، خودبه‌خود از دایره تاثیرگذاری عام روی طبقه متوسط هم خارج می‌شوند و اثرشان صرفا روی کسانی باقی می‌ماند که دنبال میدانی برای لجبازی ابدی می‌گردند و به نتیجه هم فکر نمی‌کنند. این افراد که عموما توانسته‌اند اختلالات روحی و روانی‌شان را به بهانه التهابات ۱۴۰۱ در قالب و پوسته سیاسی فرو ببرند و از این طریق برای تخلیه آنها همصدا پیدا کنند، افراد آنرمال جامعه هستند که هر جامعه‌ای برای سامان داشتن، لازم است دفع‌شان کند. غیر از هر نوع اقدام فرهنگی که بایسته است برای مهار این دشنام‌گویی‌های لجوجانه و بی‌منطق صورت بگیرد، لازم است محافل حقوقی کشور هم برای برخورد با امثال کریمی و خطیبی که در خارج از کشور حامی یک حرکت تروریستی واضح بوده‌اند، اقدامی انجام دهند. از طرفی باید تلاش کرد تا حد امکان جامعه مجددا در دام قطبی‌سازی‌های خطرناک نیفتد و چیزی نتواند این موج لجاجت را دوباره بلند کند.

بازخوانی واکنش چهره‌های مشهور به جنایت تروریستی کرمان

سوگواران کرمان

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«صدای انفجار اول که بلند شد، مردم به جای اینکه فرار کنند، به سمت محل انفجار دویدند تا کمک کنند و همان موقع انفجار دوم اتفاق افتاد. تعداد بچه‌ها زیاد بود، جسم کوچک‌شان توان مقابله با ساچمه‌های این بمب‌ها را نداشت...» این بخشی از واقعه هولناک عصر چهارشنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲ است. حوالی ساعت سه بعدازظهر، در مسیر گلزار شهدای کرمان که از چند روز قبل سالروز شهادت حاج قاسم سلیمانی، پر رفت و آمد شده بود، دو انفجار رخ می‌دهد. ۸۹ نفر از هموطنان به شهادت رسیدند و قریب به ۲۹۸ نفر مجروح شدند. با انتشار خبرهای این جنایت تروریستی، واکنش‌های کاربران فضای مجازی سرعت بیشتری گرفت و پیام‌های همدردی با داغدیدگان کرمانی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اما این بار دو اتفاق مهم در حال رخ دادن بود؛ یکی مربوط به جنس مواجهه اکثریت هنرمندان و چهره‌های مشهور هنری و ورزشی با این اتفاق بود. در یک سال اخیر عمده چهره‌های هنری از واکنش به وقایع ملی میهنی در صفحات خود پرهیز داشتند، اما این بار در همدردی با مردم عزادار کرمان، موج گسترده‌ای از پیام‌های تسلیت را شاهد بودیم.

اتفاق دوم، نوع مواجهه جامعه هنری و کاربران فضای مجازی نسبت به اظهارات سخیف علی کریمی فوتبالیست قدیمی بود. کریمی که از سال گذشته در خارج کشور زندگی می‌کند، با نهایت گستاخی در شبکه اجتماعی ایکس به شهدا و مجروحان حادثه کرمان توهین کرد. رفتار ضدایرانی او به قدری زننده بود که هنرمندان و پشکسوت‌های فوتبال هم به اظهارات او واکنش نشان دادند. آنچه علی کریمی در توییتش منتشر کرده است تفکر اقلیتی را نمایندگی می‌کند که در ادعای احترام به مردم ایران هو و جنجال زیادی دارند اما برخلاف مدعایشان در احترام به دیگری، عاری از هرگونه تحمل صدای دیگری بوده و به آنها توهین می‌کند. در گزارش پیش رو این اتفاق مهم را بازخوانی می‌کنیم.

پیام تسلیتی برای همه مردم ایران

در یک سال گذشته وقایع تلخ و شیرین بسیاری بر مردم ایران گذشت و اگر هنرمندی نسبت به یک اتفاق ملی میهنی واکنش نشان می‌داد، با هجمه سایبری‌ها مواجه می‌شد. در فضای مجازی بستری برای واکنش‌های طبیعی چهره‌های مشهور فراهم نبود و عمدتا برای پرهیز از خشونت کلامی، چیزی نمی‌گفتند. حتی در نمونه متاخر جنایت تروریستی که ۲۲ مردادماه امسال در شاهچراغ رخ داد و جمعی از هموطنان شیرازی به شهادت رسیدند؛ این انتظار بود که جامعه هنری و ورزشی به شدت این جنایت را محکوم کنند اما این اتفاق نیفتاد. در روزهای گذشته در جنایت تروریستی کرمان، تعداد بیشتری از اهالی هنر در صفحات شخصی‌شان با هشتگ تسلیت، صفحه مشکی، ایران تسلیت و کرمان تسلیت، واکنش نشان دادند. منیژه حکمت، رسول صدرعاملی، همایون اسعدیان، مریم بحرالعلومی، آزیتا موگویی، سیدمحمود رضوی، محمدحسین مهدویان، محمدمهدی عسگرپور، سیدمازیار هاشمی، محمد شایسته، مازیار میری، سیدرضا میرکریمی، کریم امینی، مهران احمدی، مازیار لرستانی، پرویز پرستویی، امین حیایی، حبیب رضایی، امیر آقایی، حامد بهداد، مجید مظفری، رضا کیانیان، فرهاد قائمیان، محمدرضا گلزار، تینا پاکروان، احترام برومند، مجید واشقانی، سپند امیرسلیمانی، نیکی مظفری، سحر دولتشاهی، ژاله صامتی، پردیس پورعابدینی، سعید روستایی، ویشکا آسایش، سینا مهراد، بهاره افشاری، گلاره عباسی، امیرحسین رستمی، میترا رفیع، پرستو گلستانی، حسین کیانی، محمدرضا مالکی، رامین راستاد، علیرام نورایی، افشین هاشمی، هوتن شکیبا، بهرام افشاری، هادی کاظمی، هومن حاجی عبداللهی، محسن کیایی، نیما شعبان‌نژاد، امیر جدیدی، کوروش سلیمانی، میلاد کی‌مرام، مجید صالحی، حسین سلیمانی، بهرنگ علوی، حمید گودرزی، مینا وحید، فریبا نادری، محمد بحرانی، محیا دهقانی، هنگامه قاضیانی، شبنم مقدمی، نعیمه نظام‌دوست، الهام پاوه‌نژاد، آزاده صمدی، سوگل طهماسبی، ستایش موسوی، مونا کرمی، نازنین بیاتی، هلیا امامی، ترلان پروانه و محمدرضا مقدسیان کارشناس و منتقد سینما، مجریان و تهیه‌کنندگان برنامه‌های تلویزیونی همچون بهروز رضوی، عبدالرضا امیراحمدی، رضا رشیدپور، مژده لواسانی، فرزاد حسنی، داریوش فرضیایی، احسان علیخانی و علی ضیا از جمله این هنرمندان بودند.

برخی دیگر از هنرمندان هم علاوه بر این، پیام‌هایی را نوشتند. شبنم مقدمی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون با انتشار پیامی نوشت: «تسلیت به مردم نازنین کرمان، تسلیت به تمام ایران. لعنت خدا بر دل سیاه آنان که مرگ می‌آفرینند.» حسین سلیمانی، بازیگر سینما و تلویزیون هم نوشت: «اون از پاییز، این از زمستون. کرمان عزیز تسلیت.» و حامد بهداد بازیگر سینما نیز با بازنشر پستی نوشت: «بسیار متاسفیم برای کشته شدن هموطنان عزیزمان که بی‌گناه و بی‌دفاع زندگی قشنگ خویش را از دست دادند. تسلیت.» احسان علیخانی مجری تلویزیون با انتشار پیامی نوشت: «لعنت بر هر تفکر با عقیده کثیفی که برای اثبات خود، جان انسان‌های بی‌گناه را می‌گیرد. کرمان تسلیت.» علی ضیا مجری تلویزیون نوشت: «جنایت به هر بهانه‌ای محکومه، خون مظلوم دامن ظالم را می‌گیره، این سنت الهی است. تسلیت به ملت شریف ایران و مردم کرمان.» رضا کیانیان نوشت: «تسلیت به کرمان. تسلیت به ایران. تسلیت به خانواده تمام آنها که به جنایت پرکشیدند. تسلیت به حوا به آدم. تسلیت به انسانیت. ترور در هر شکل، با هر شیوه‌ای جنایت است.» رضا رشیدپور با انتشار ویدئویی در صفحه شخصی‌اش نوشت: «اتفاقی که رخ داده است و همه ما در جریان آن هستیم اتفاقی فوق‌العاده دردناک است. من به خانواده این شهدای عزیز و به تمام مردم ایران تسلیت می‌گویم. ترور و تروریسم کار کثیف و مذبوحانه‌ای است و خداوند کسانی را که در هر جای دنیا آرامش، صلح و زندگی را از مردم می‌ربایند لعنت کند. مردم مظلوم کشور من سال‌ها در اتفاقات مختلف قربانی ترور بودند و امروز و امشب شب بسیار تلخی برای همه ما مردم ایران است. وظیفه خود دانستم که به شما هموطنان عزیزم به ویژه در استان کرمان تسلیت عرض کنم. امشب کرمان همه ایران است. داغ برای همه ایران است، جای این شهدا در بهشت.» در حوزه موسیقی نیز نهادهای فرهنگی هنری همچون خانه هنرمندان، خانه موسیقی ایران و جمعی از هنرمندان و فعالان حوزه موسیقی همچون امیرحسین سمیعی خواننده و آهنگساز و مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رضا مهدوی نوازنده و مدرس سنتور و دبیر سی و نهمین جشنواره موسیقی فجر، بهزاد عبدی آهنگساز، رهبر ارکستر و دبیر سابق جشنواره موسیقی فجر و هنرمندان دیگری همچون حسام‌الدین سراج، محمد اصفهانی، محمد معتمدی، سالار عقیلی، علی زندوکیلی، پرواز همای، صبا علیزاده، سهراب پورناظری، تهمورس پورناظری، علیرضا عصار، حمید غلامعلی، اشکان کمانگری، آرش گوران، روزبه بمانی، هادی فیض‌آبادی، پیروز ارجمند، سحر محمدی، حسین علیشاپور، برادران سعیدی، بهنام بانی، گروه ایوان، محسن ابراهیم‌زاده، گروه پازل، اشوان، حمید خزاعی، بابک شهرکی، محمد علیزاده، محمدرضا عیوضی، شروین حاجی‌پور، میثم ابراهیمی، امیر عظیمی، حامد همایون، گروه ماکان، مهدی دارابی، حامیم، حمید عسکری، امیر مقاره، امیر تاجیک، آصف آریا، مهدی یغمایی، رضا یزدانی، احسان یاسین، مصطفی راغب، حمید هیراد، فرزاد فرزین، سهراب پاکزاد، سهراب ام‌جی، محسن رجب‌پور و میلاد ماهان‌راد تهیه‌کنندگان موسیقی با انتشار پیام‌هایی، به جنایت تروریستی کرمان واکنش نشان دادند و به بازماندگان این حادثه تسلیت گفتند. سمیعی، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی با انتشار تصویری با پرچم کشورمان خطاب به حاج قاسم نوشته است: «زائرانت امشب مهمانت شدند.» بهزاد عبدی موزیسین نوشت: «به کدامین گناه کشته شدند؟ تسلیت به ایران و کرمان» و محمد معتمدی خواننده با انتشار تصویری از حضور مردم در گلزار شهدای کرمان نوشته است: «از کرمان به عرش.» خانه شجریان، رسانه نشر و تحلیل آثار زنده‌یاد استاد محمدرضا شجریان در فضای مجازی با انتشار پست و اثری از استاد شجریان حادثه تروریستی در کرمان را محکوم کرد و در پیامی نوشت: «نگر تا این شب خونین سحر کرد/ چه خنجرها که در دل‌ها گذر کرد. امروز بیش از ۸۰ نفر از هموطنان ما، در حادثه تر.و.ر.یستی کرمان جان خود را از دست دادند. تسلیت به خانواده‌های داغدار و مردم ایران.» همچنین حسام‌الدین سراج، این پست را بازنشر کرده است.

همایون شجریان نیز با انتشار پیامی نسبت به حادثه تروریستی کرمان واکنش نشان داده است و به هموطنانمان تسلیت گفت؛ وی در این پیام نوشته است: «تسلیت به هم‌میهنان سوگوارم. تسلیت به سرزمینم ایران. در کنار شما، داغدار و سوگوارم.» محسن چاوشی و رضا صادقی، خواننده‌های موسیقی پاپ نیز با انتشار پیام‌هایی به حادثه تروریستی کرمان واکنش نشان دادند و ضمن عرض تسلیت این حادثه را محکوم کردند. احسان یاسین خواننده جوان موسیقی پاپ هم نوشت: «و چقدر انسان بی‌گناه. چقدر امید و چقدر آرزو که برای همیشه زیر خاک دفن شدند. تا ابد و یک روز معتقدم ریختن خون بی‌گناه، تاوان داره.»

هنرمندان طراح، گرافیست و کاریکاتوریست دیگری همچون سیدمسعود شجاعی طباطبایی کاریکاتوریست، جمال رحمتی گرافیست، کاریکاتوریست، انیماتور و کارگردان، مهدی لاری گرافیست، محمدصالح رزم حسینی کارتونیست، سینا افشار طراح گرافیک با انتشار تصاویر، آثار و پیام‌هایی ضمن محکوم کردن حادثه تروریستی گلزار شهدای کرمان، شهادت جمعی از هموطنان‌مان را تسلیت گفتند. آثار این هنرمندان نیز توسط سایر هنرمندان بازنشر شده است.

حسن روح‌الامین، هنرمند نقاش با انتشار اسامی شهدای حادثه تروریستی کرمان در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «وقتی وجود یک دیو خونخوار رو بعد از سال‌ها طی طوفانی نابود می‌کنی و هیمنه نحسش رو می‌شکنی، باید بدونی که این وجود خبیث و سراسر شر، ممکنه در لحظات جان دادنش دست و پایی بزنه و احتمال داره پنجه به صورت نازنین مردمی بزنه که سال‌ها آرزوی نابودیش رو داشتن و حالا به آرزوشون رسیده‌ن. آینده از آن اسلام است برادران. اینها خیلی زودتر از ۲۵ سال دیگر وجود نخواهند داشت.»

شاعرانی ازجمله یغما گلرویی، سیدعباس سجادی، سعید بیابانکی، میلاد عرفان‌پور، محمدمهدی سیار، محمود تاری، محمدمهدی عبداللهی، احمد بابایی و... نیز با انتشار اشعار و نوشته‌هایی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی این حادثه را محکوم کردند و به هموطنان تسلیت گفتند. عرفان‌پور متنی با این مضمون نوشت: «روشن شد صد لاله به خون‌خواهی یار/ گلزار شهید! چشم‌هایت روشن.» محمدمهدی سیار، شاعر و چهره برگزیده سال هنر انقلاب اسلامی در پیام‌هایی مجزا حادثه تروریستی کرمان را محکوم کرده است؛ وی نوشته است: «به ابرو گره ماند و در چشم گریه/ غمی خشمگین است این خشم غمگین» و «بزرگ‌ترین معنای این حادثه این است که دشمن شکست خود را در جنگ نرم پذیرفته و به بدوی‌ترین شکل تقابل بازگشته است. از سانسور اسم و عکس «او» به حذف فیزیکی زائرانش رسیدند. و ناامید از کشش جوانان به خویش، «جوان‌کشی» پیشه کردند.»

ادامه در صفحه ۱۳

شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۵۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

homayounshajarian

تسلیت به هم میهنان سوگوارم...
تسلیت به سرزمینم ایران...
در کنار شما، داغدار و سوگوارم...

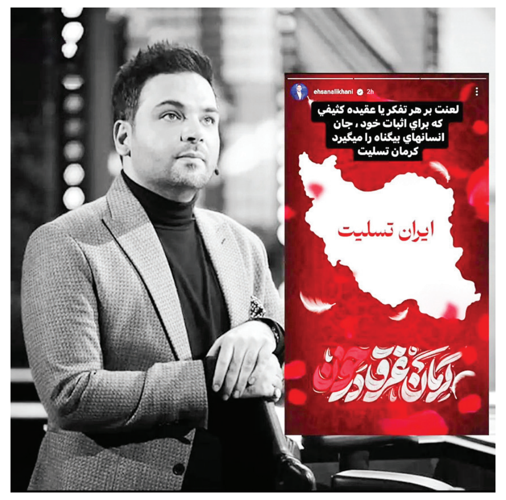

لعنت بر هر تفکر یا عقیده کثیفي که براي اثبات خود، جان انسانهاي بيگناه را ميگيرد
کرمان تسلیت

ایران تسلیت

تسلیت به مردم ایران
کرمان
KERMAN
خون شد
#کرمان

واکنش به علی کریمی: خوش‌رقصی با غم مردم

اظهارات سخیف علی کریمی درخصوص جنایت تروریستی کرمان، محملی برای بازخوانی روند اضمحلال این چهره ورزشی بود. محمد قوچانی، فعال رسانه‌ای اصلاح‌طلب درخصوص اظهارات کریمی نوشت: «این سقوط انسانیت است که در سوگ هم‌میهنت کنار قاتل باشی.» رضا امیرخانی، نویسنده و منتقد ادبی هم به اظهارات توهین‌آمیز علی کریمی واکنش نشان داد و نوشت: «هر روز پرت‌تر از دیروز کاش محفلی که تلاش کرد او را از ایران خارج کند، گردن بگیرد. علی کریمی می‌توانست ایران بماند و این‌جور مفتضح نباشد.» مجید تفرشی، پژوهشگر تاریخ هم در توییتی نوشت: «پیش از اینها بوده‌اند ورزشکارانی که به صف دشمنان مردم ایران پیوسته‌اند ولی هیچ‌کس به اندازه علی کریمی به این درجه از فقدان شعور و شرف و افراط در وقاحت سقوط نکرده بودند که در کشته شدن مردمان بی‌گناه کشورش توسط عمله رژیم بچه‌کش اینقدر ابراز شعف کند.» اگرچه این اظهارات علی کریمی توهین‌آمیز تعبیر می‌شود، اما تفکر اقلیتی را نمایندگی می‌کند که از زبان یک فوتبالیست بازنشسته به‌صورتی عریان خودش را در رسانه به عموم عرضه می‌کند. اشکان خطیبی، بازیگری که از سال گذشته به خارج از ایران رفته است هم با همین نگاه توهین‌آمیز علی کریمی، عباراتی ناروا را برای کشته‌شدگان جنایت تروریستی کرمان به‌کار برد و شهیدان و مجروحان این حادثه را افرادی درمانده خطاب کرد که از روی نیاز، تهدید و ترس به مراسم یادبود حاج‌قاسم سلیمانی رفتند. حمیدرضا بوالی، فعال فرهنگی، استوری اشکان خطیبی را بازنشر کرد و در یادداشتی انتقادی نوشت: «صداقت بدوی آدم‌ها گاهی کاملا روشن‌کننده است. به نظر من این استوری از اشکان خطیبی مهم‌تر از توییت علی کریمی در واکنش به فاجعه کرمان است. چه آنکه این استوری به روشنی نشان می‌دهد دیدگاهی که علی کریمی بی‌تعارف و رودربایستی از سر حماقتی لمپن‌وار بروز می‌دهد، چه پس‌زمینه فکری و ذهنی‌ای دارد که درنهایت به آن توییت وحشتناک می‌رسد. به اعتقاد اشکان خطیبی، مردمی که برای گرامیداشت مقام آن سردار رفته بودند (مثل من فکر نمی‌کنند) از چند حالت بیشتر خارج نیستند؛ یا نیازمندند، یا تهدید شده‌اند، یا ترسیده‌اند یا اینکه جاهلند. این دیگری‌سازی بی‌رحمانه که از صداقت بدوی اشکان خطیبی و علی کریمی و امثالهم بیرون می‌زند، خطرناک‌ترین وجه مبارزه با سیستم فعلی است. آنها می‌خواهند علیه دیگری ستیز وضع موجود بجنگند، اما خود فاشیست‌های دیگری‌سازی هستند که دست همه را از پشت بسته‌اند و صداقت‌شان وقاحت‌شان را لو می‌دهد. اینجاست که دیگر ادعای لیبرال‌گونه مدارا و تسامح و پذیرش دیگری، روی واقعی خود را نشان می‌دهد. این خاصیت بحران‌هاست.» اهالی فوتبال هم به توییت توهین‌آمیز علی کریمی واکنش نشان دادند، علی سامره نوشت: «تلخ‌تر از غم کرمان، نمک پاشیدن وقیحان بر زخم مردم داغ‌دیده است. حادثه تروریستی کرمان را به هم‌استانی‌هایم تسلیت می‌گویم تلخ‌تر از این غم، لجن‌پراکنی افراد به اصطلاح وطن‌پرست و اسطوره‌ای است که در این ساعات با نمک پاشیدن روی زخم مردم داغ‌دیده، برای دشمنان خوش‌رقصی می‌کنند.» سیدمحمد حسینی، بازیکن تراکتور در واکنش به اظهارات سخیف علی کریمی در استوری خود نوشت: «کاش هنوز ذره‌ای شرافت برایت باقی مانده باشد آقای کریمی. هیچ شرافتمندی از مرگ هموطنش خوشحال نمیشه هرچند از لحاظ سیاسی به نفعش باشد.» نیوشا ضیغمی، بازیگر سینما هم در این باره نوشت: «یعنی تو فکر می‌کنی چون کسی شبیه تو نیست پس باید بمیرد؟ خوشحالی از کشته‌شدن انسان‌ها، حتی کسانی که اندیشه متفاوتی با ما دارند، عین تفکر داعش است.» محیا دهقانی، بازیگر سینما و تلویزیون هم نوشت: «کسانی که از ریخته‌شدن خون‌های پاک، خوشحالی می‌کنند، دیگر بشر نیستند و حتی حیف کلمه حیوان که برای آنها به‌کار برده شود. علی کریمی چگونه می‌تواند برای به خاک‌وخون کشیده‌شدن هموطن خودش خوشحالی کند؟ او بی‌ذات‌ترین و بی‌وجدان‌ترین فردی است که سراغ دارم.» علیرام نورایی بازیگر سینما و تلویزیون نوشت: «متاسفم برای موجودات کثیفی که از خبر مرگ هموطنان‌شان خوشحال می‌شوند. شما کثیف‌ترین و منحوس‌ترین مخلوقات خداوند هستید.» آزاده آل‌ایوب، مجری کودک درباره اظهارات سخیف کریمی نوشت: «خون غاصبان جنایتکار در رگ توست. کودکان را هم کشتند، تو شاد شدی.» رامین راستاد هم نوشت: «حمله تروریستی بی‌هیچ قیدوشرطی محکوم است. اگر غیر از این فکرکنیم وای به حال انسانیت.»

محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون نیز با انتشار پیامی حادثه تروریستی کرمان را به هموطنان‌مان تسلیت گفته است. قاسمی در این باره نوشت: «مسخره‌کردن شهادت هموطنان، عینیت کامل بی‌معرفتی، بی‌شرفی، بی‌همه چیز بودن و تهی بودن از کمترین خصیصه‌های انسانیت، اما سوال اینجاست که آقای علی کریمی، ای بی‌شرف چه شد که به این درجه از رذالت رسیدی؟؟؟!!! چه نان حرامی وارد سفره‌ات شده که وجودت از انسانیت عریان و تهی گشته؟؟؟!!! همچنین وظیفه خود می‌دانم به مردم شریف ایران و خصوصا خانواده‌های عزیز داغدار تسلیت عرض نموده و متذکر شوم به اعتقاد اینجانب سکوت در مقابل این جنایت بزرگ، کمال بی‌انصافی بوده و به دور از انسانیت است.» مهران غفوریان، بازیگر در گفت‌وگویی که با فارس داشت، در واکنش به صحبت‌های علی کریمی گفت: «هرکسی که از کشته شدن مردم بی‌دفاع، بی‌گناه و مظلوم خوشحال شود، با آن کسی که مرتکب این جنایت شده است، هیچ تفاوتی ندارد. کسی هم که بمب‌گذاری کرده، از منفجر شدن آن بمب و کشتار آن مردم خوشحال شده است. قتل عام این مردم خوشحالی ندارد؛ حال این مردم به هر دلیلی در آن مکان حضور داشته‌اند. چه فرقی می‌کند که این مردم برای چه به آن مکان رفته‌اند؟ مگر در اصل موضوع تغییری ایجاد می‌شود؟ مگه می‌توان صورت مساله را پاک کرد؟ مگر در همه جای دنیا دم از مبارزه با تروریسم نمی‌زنند؟ مگر این ترور نیست؟ مگر این عمل، تروریستی نیست؟ من نمی‌فهمم که یک ایرانی، چگونه می‌تواند از کشته شدن هموطنان خود خوشحال شود؟ یک انسان، چگونه می‌تواند از کشته شدن انسان‌ها ابراز شادی کند؟ وقتی به این موضوع فکر می‌کنم عصبانی می‌شوم. من شخصا باگرایش سیاسی و عقاید او کاری ندارم؛ اما این یک مساله انسانی است. اصلا او مخالف جمهوری اسلامی است، اما این افراد مردم بی‌گناه هستند. کسی را که از کشتار انسان‌های بی‌گناه ابراز شادی می‌کند، باید در تیمارستان و به دور از دیگر بیماران بستری کرد. واقعا این را نمی‌توان درک کرد. اصلا احساسات را کنار بگذاریم، عقل را چه کنیم؟ شرم بر کسانی که از کشتار این مردم مظلوم به دست تروریست‌های کثیف، استفاده ابزاری و سیاسی می‌کنند.» مژده خنجری، مجری در گفت‌وگویی در این باره گفت: «هر کسی که از کشته شدن مردم مظلوم که بخشی از آنها زن و کودک بودند، بخواهد خوشحالی کند قاعدتا باید به انسانیت او شک کرد؛ حالا هر کسی با هر گرایش و تفکری که می‌خواهد باشد.» فرزین محدث، بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس گفت: «ترور و تروریسم به هر شکلی یک عمل عاری از انسانیت است. منظورم از این عمل، خوی حیوانی نیست چون حیوان، به همنوع خودش و به دیگران آسیب کمتری وارد می‌کند. این یک صفت شیطانی است. وقتی هموطنان ما بر اثر حادثه‌ای به این شکل به شهادت می‌رسند، وظیفه تمامی ما که در یک مرز و بوم زندگی می‌کنیم و ایرانی هستیم این است که کنار هم باشیم. سکوت درباره این جنایت جایز نیست، با هر سلیقه و هر نگرشی، مرز و بوم کشور و مردم سرزمین‌مان برای ما اهمیت دارد. هر کسی که بخواهد کوچک‌ترین آسیبی به این خاک، به این مرز و بوم یا به هموطنان من بزند من در مقابل آنها می‌ایستم. هرکس از شهادت هموطن من احساس خوشحالی کند، هموطن من نیست. ما با هر نگاه، هر سلیقه و هر گرایشی، در نقاطی مشترک هستیم و در این نقاط با کسی شوخی نداریم.»

افشین علاء، شاعر با سرودن شعری به توییت علی کریمی واکنش نشان داد؛ در بخشی از این شاعر آمده است:

«غذای نذری و شربت؟ چه گفت مردک پست؟
گدای اجنبی افسار خود چگونه گسست؟

زبان الکن این لات، از چه لال نشد؟
میان دست پلیدش قلم چرا نشکست؟

دهن‌کجی به شهیدان و ادعای شعور؟
مجیزگویی خصم و به خلق، ضربت شست؟

کسی که نان سگان می‌خورد چه می‌فهمد؟
غذا و شربت نذری نشانه‌ی شرف است

حرام‌خوار چه داند که شد به کام شهید
نه نان و شربت نذری، که می ز جام الست»

محمدحسین پوپانفر هم به توییت علی کریمی واکنش نشان داد و نوشت: «حتی نمی‌شود در برابر این حجم از خوی درندگی احساس تاسف کرد آقای #وطن_فروش.»

به خودت لایی انداختی!

هومن جعفری
خبرنگار

۱ من به سلیقه آدم‌ها کاری ندارم. یکی این‌وری است و دیگری آن‌وری! عین فوتبال! یکی استقلالی است و یکی پرسپولیسی. یکی سپاهانی است و یکی تراکتوری. یکی رئالی است و یکی بارسایی. سلیقه آدم‌ها دست خودشان است. فرق آدم‌ها در تیم‌شان نیست، در شخصیت‌شان است. آدم با اصل‌ونسب و شخصیت، رفتارش را با رنگ تیمش هماهنگ نمی‌کند بلکه با رنگ قلبش و با گرمای خونش تنظیم می‌کند. از همین‌روست که اکثر وقت‌ها، بیش از اینکه ببینم آدم‌ها طرفدار چه رنگ و تیم و حزب و دسته و گروهی هستند، به این نگاه می‌کنم که موقع دشمنی و دوستی، به وقت خشم و یأس یا عزا یا شادی، چگونه رفتار می‌کنند.

۲ آنچه در کرمان رخ داد، صد البته که تلخ بود. فارغ از اینکه شما طرفدار حاج قاسم یا جمهوری اسلامی باشید یا منتقد یا دشمن، موضع‌گیری‌تان نباید برمبنای سیاست که باید برمبنای انسانیت و ارزش‌هایش اتخاذ شود. جنایت و ظلم قابل چشم‌پوشی نیست. ریختن خون کودکان و زنان و مردان غیرمسلحی که به آزار کسی نمی‌رفتند، نه‌تنها توجیهی ندارد بلکه دفاع هم ندارد. ما همه اعضای یک کشوریم. شاید مانند همدیگر فکر نکنیم اما زندگی کردن ما زیر یک سقف است؛ سقف آبی آسمان ایران حتی اگر دود مازوت گرفته باشد. کودکی که در کرمان جان داد، می‌توانست همکلاسی فرزند شما باشد. همسنش که هست. همان‌قدر که کودک شما حق حیات دارد، او هم داشت. همان‌قدر که همسر شما، خواهر شما، شوهر شما، برادر شما حق حیات دارند، شهدای کرمان هم داشتند. فارغ از هر دسته‌بندی سیاسی و مذهبی یا تفکری، آنچه در کرمان رخ داد فقط و فقط یک رفتار را می‌طلبد: محکومیت! بنابراین مهم نیست کجای این دنیا زندگی کنی. اگر دلت با این خاک است، زخم خوردن گل‌ها و گیاهان و پرپر شدن غنچه‌های این خاک برایت تلخ است. من نگاهم این‌طوری است. شاید شما طور دیگری فکر کنید.

۳ قرار نیست همه مثل هم زندگی کنیم. قرار نیست همه حزب‌اللهی باشیم یا نباشیم. قرار نیست همه طرفدار یک کارگردان یا بازیگر یا خواننده یا ورزشکار یا چهره سیاسی باشیم. با این همه، عزا برای همه‌مان یک معنا دارد. عزا برای همه‌مان یک معنا دارد. خون همین‌طور. شادی همین‌طور. مادر همین‌طور. نوروز همین‌طور. کلماتی هستند که درک‌شان نیاز به اهلیت و عضویت در یک قبیله دارد. ما قبیله ایرانیم اگرچه این وطن شاید برای برخی از ما مادر خوبی نبوده یا شاید برداشتی غلط از مادرانگی میهن، ما را به این حال تلخ سوق داده باشد. با همه این حرف‌ها وقتی نوبت برسد که در صف انتقال خون بایستی تا برای مردمانت خونی اهدا کنی، دیگر چه فرقی دارد که طرفدار کدام شاعر و هنرپیشه و سریال و شبکه و دسته و فرقه باشی. خون، خون است و ایرانی جماعت، خون خونش را می‌کشد. خاک سرد است اما خون نه! من بر سر خون با تو صحبت می‌کنم نه رنگ! من حرفم از وطن است حتی اگر از خاک این وطن، دیگران سهم‌شان کاخ باشد و تو سهمت اجاره‌نشینی! یک چیزهایی را آدم با جیبش تحلیل نمی‌کند. یک چیزهایی را آدم با حزب و گروه و چه می‌دانم اسپانسر تعریف نمی‌کند. من کار به علی کریمی ندارم و آن چیزی که نوشت. به این فکر می‌کنم بین آن چند ده نفری که شهید شدند یا مجروح، چند تایشان در سال‌های سپری‌شده، مقابل تلویزیون نیم‌خیز شده بودند تا ببینند شماره هشت، بازیکن حریف را دریبل می‌زند یا نه؟ روی دیوار اتاق کودکی چندتایشان عکس علی کریمی غیرسیاسی، شده بود روزنه رنگی زندگی سیاه و سفید؟

دنبال زدن علی کریمی نیستم که خودش، طوری به خودش لایی انداخت که تا ابد نشود جمعش کرد. فقط تاسف می‌خورم از این سر توپی که به خودش زد. یک روز علی دایی مقابل کره جنوبی بلند شد تا یک تا پرنده بزند و توپ را دور کند. پایش نگرفت و بازیکن کره گل زد و کمی بعد از جام ملت‌ها حذف شدیم. آن صحنه هنوز یادم هست. بهت‌زده بودم که چطور علی دایی، بازیکن بوندس‌لیگا چنین اشتباهی می‌کند. حالا بزرگ‌تر شده‌ام، می‌توانم بگویم زخم‌خورده‌تر. شرف دارد که آدم داخل زمین، این پایش به آن پایش بفرما بزند برای زدن توپ و نتواند و دروازه خودی باز شود، تا اینکه بیاید و به مرگ هموطنانش نیشخند بزند و برای قتل کودکان خوش‌رقصی کند. علی دایی یک بار اشتباه کرد، صد و خورده‌ای بار جبرانش کرد. علی کریمی یک توییت زد و صد و خورده ای بازی ملی و هزاران خاطره را یکجا به فولدر «زباله‌دان» ذهن فرستاد. با خودت چه کردی پسر؟

باتلاق در جزیره سلبریتی‌ها

مریم فضائلی
خبرنگار

جفری ادوارد اپستین، سرمایه‌دار سرشناس آمریکایی، چهار سال پیش در حالی که منتظر محاکمه بود، در زندان خودکشی کرد. او به دلالی و سوءاستفاده جنسی از دختران نابالغ در دادگاه بدوی متهم شده بود. گفته می‌شود او شبکه گسترده‌ای از دختران زیر سن قانونی برای رابطه جنسی را به جزیره خود برده و در اختیار افراد بلندپایه و چهره‌های مشهور قرار می‌داد. البته او هیچ‌گاه این اتهامات را نپذیرفت اما بعد از حدود چهارسال از مرگ اپستین، صدها صفحه از اسناد دادگاه مربوط به شکایت از جفری اپستین، از سوی یک قاضی فدرال آمریکایی منتشر شده است. این اسناد شامل ده‌ها نام می‌شود که از پرونده شکایت علیه گیلن ماکسول خارج شده‌اند. ماکسول سال گذشته به اتهام قاچاق جنسی، همدستی و کمک به اپستین در سوءاستفاده جنسی از دختران نوجوان، به ۲۰ سال زندان محکوم شد و در حال حاضر در زندان به‌سرمی‌برد.

پیش‌تر اسامی بسیاری از همدستان و کسانی که در حلقه درونی اپستین بودند از اسناد دادگاه حذف شده بود. لورتا پرسکا، قاضی نیویورک ماه گذشته حکم داده بود که این اسناد می‌توانند از حالت محرمانه خارج شوند و گفت هیچ توجیه قانونی برای محرمانه نگه داشتن آنها وجود ندارد. ده‌ها زن، اپستین را متهم کرده‌اند که آنها را مجبور به ارائه خدمات جنسی به او و مهمانانش در جزیره خصوصی او در کارائیب و خانه‌هایش در نیویورک، فلوریدا و نیومکزیکو کرده است. این سوابق نشان می‌دهند که چگونه اپستین با شخصیت‌های مشهور و قدرتمند از جمله بانک‌داران، افراد سلطنتی و افراد مشهور آشنا می‌شد. در ادامه به برخی افرادی که نام‌شان در این اسناد دیده می‌شود، اشاره شده است.

آندرو آلبرت، عضو خاندان سلطنتی انگلیس

آندرو آلبرت که پرونده‌های قبلی در این زمینه دارد، بار دیگر اسمش ورد زبان‌ها شده است. اسنادی که به‌تازگی افشا شد، اتهامات تجاوز جنسی علیه خاندان سلطنتی انگلیس را فاش کرد. یوهانا شوبرگ، که یکی از زنان بسیاری است که اپشتین را به آزار جنسی متهم کرده، گفته است اندرو در سال ۲۰۰۱ در خانه اپستین در منهتن به او تعرض جنسی کرد.

آلن درشوویتز، پروفسور حقوق دانشگاه هاروارد

این نویسنده، وکیل، حقوقدان و استاد دانشگاه هاروارد به دلیل کارش در حوزه حقوق کیفری آمریکا مشهور است. اسنادی که از این وکیل منتشر شده است، مبنی بر اتهاماتی است که از سوی یک زن ناشناس به او وارد شده است. این زن گفت زمانی که زیر سن قانونی بود، اپستین از او خواسته بود که با درشوویتز رابطه جنسی داشته باشد. براساس اسناد، درشوویتز نقش مهمی در مذاکره بر سر توافقی داشت که مصونیت از تعقیب قضایی فدرال در ناحیه جنوبی فلوریدا را نه تنها برای اپستین، بلکه برای هر همدست او، فراهم کرد.

ژان لوک برونل، مدل فرانسوی

لوک برونل، مدیر ۷۴ ساله آژانس مدل‌یابی فرانسوی، حدود پنج سال پیش، به علت کودک‌آزاری، تجاوز، آزار جنسی و قاچاق انسان بازداشت شده بود. او در انتظار محاکمه به اتهام تجاوز به دختران زیر سن قانونی بود که در سال ۲۰۲۲ در زندان پاریس خودکشی کرد. این اسناد نشان می‌دهند که برونل از دختران زیر سن قانونی با پیشنهاد شغل مدلینگ بهره‌کشی می‌کرد و سپس آنها را به آمریکا منتقل کرده و در اختیار اپستین قرار می‌داد.

دیوید کاپرفیلد، جادوگر آمریکایی

یک زن شهادت داده است که دیوید کاپرفیلد، تردست آمریکایی را در یکی از خانه‌های اپستین ملاقات کرده است. او افزود که کاپرفیلد از دوستان اپستین بوده است.

بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا

در اسناد دادگاه به بیل کلینتون، چهل و دومین رئیس جمهور ایالات‌متحده آمریکا نیز اشاره شده است. یک شاهد در این رابطه گفته که از اپستین شنیده بود کلینتون به دختران جوان تمایل دارد. این شاهد همچنین اشاره کرده است اپستین و کلینتون روابط نزدیکی داشتند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا

نام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز در اسناد ذکر شده، اما او جزء متهمان نیست. شوبرگ به اتفاقی در سال ۲۰۰۱ اشاره کرد که همراه با اپستین، گیفر و چند نفر دیگر با هواپیما به پام بیچ در فلوریدا می‌رفتند. وقتی هواپیما به دلیل طوفان نتوانست در نیویورک فرود بیاید، مجبور شدند در آتلانتیک سیتی فرود بیایند و به یکی از کازینوهای ترامپ بروند. در این اسناد تنها اشاره شده است که اپستین به همراه نامزدش و یک دختر زیر سن قانونی در سال ۲۰۰۱ به یکی از کازینوهای ترامپ در شهر آتلانتیک سیتی در ایالت نیوجرسی رفته بودند.

استیون هاوکینگ، فیزیکدان

نام استیون هاوکینگ، فیزیکدان معروف در ایمیلی که اپستین در ژانویه ۲۰۱۵ برای ماکسول ارسال کرده بود، ذکر شده است. در این ایمیل، اپستین به ماکسول گفته بود که برای هر یک از دوستان، خانواده و آشنایان یکی از دختران زیر سن قانونی که جزء شاهدان بودند، مبلغی در نظر بگیرد تا آنها اظهارات این شاهد علیه هاوکینگ را رد کنند.

مایکل جکسون، خواننده

یکی از شاهدان می‌گوید که مایکل جکسون، خواننده معروف آمریکایی را در اقامتگاه اپستین دیده بود. این شاهد گفته است که از او برای معاشرت غیرمشروع با این خواننده درخواست شده بود. انتظار می‌رود که به مرور زمان اسامی بیشتری از افراد شناخته‌شده از این لیست خارج شود.

ادامه از صفحه ۱۲